

نگاهی به اصلاح الگوی مصرف

زهد و زندگی زاهدانه

زهد یکی از فضایل اخلاقی است که هر انسانی آن را تحسین می‌کند. روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر این عمل انسانی و الهی تأکید کرده است.

زهد در لغت، به معنای بی‌رغبتی است و در اصطلاح، بدین معناست که انسان با این که طبعاً به چیزی میل و رغبت دارد، به دلیل داشتن هدفی بالاتر، از آن صرف‌نظر کند و در فکر تأمین هدف بالاتر باشد؛ مثل این که انسان در عین حال که قدرت و امکان آن را دارد که لباس خوب بپوشد، غذای لذیذ بخورد، در مسکن عالی بنشیند و بر مرکب گران‌قیمت سوار شود، اما برای این که مسئولیت خود را بهتر انجام بدهد و با مردم مستمند و دردمند هم‌دردی کند، از همه این‌ها دست بشوید و امکانات خود را در راه رفاه مستمندان و تأمین زندگی محتاجان صرف نماید و خود با زندگی ساده بسازد.

بنابراین زهد واقعی، بر دو پایه استوار است:
۱- داشتن هدف برتر؛ ۲- آخرت‌گرایی، نه تجمل‌گرایی.

تفاوت زهد واقعی و رهبانیت مذموم این است که رهبانیت یعنی بریدن از مردم و دنیا و روی آوردن به آخرت، لیکن زهد در اسلام این است که انسان نه تنها به مسائل اجتماعی و ... پشت نمی‌کند، بلکه دخالت در آن‌ها را لازم می‌داند و به دلیل هدفی

مهم‌تر، از آن‌چه مورد رغبت و موجب لذت اوست، چشم می‌پوشد و زندگی ساده و بی‌تکلف را انتخاب می‌کند تا بهتر از عهده مسئولیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برآید. ولی راهب از تعهد و مسئولیت اجتماعی می‌گریزد و به صومعه پناه می‌برد و از مردم می‌برد.

در واقع زهد، پرهیز از دنیاپرستی و حرص و آز است، نه پرهیز از به دست آوردن دنیا. زهدگرایی، ستیز با دنیا نیست، زاهد در حقیقت زندگی را بر خود تنگ می‌گیرد تا دیگران را به آسایش برساند، زیرا قلب حساس و دل دردآشنای او، همیشه در فکر درمندان و محتاجان است و شادمانی او در این است که خاری را از سر راهی بردارد، دستی بر سر یتیمی بکشد، بازوی ناتوانی را بگیرد و دل شکسته‌ای را شاد نماید.

روزی رسول اکرم (ص) وارد خانه حضرت زهرا (س) شدند. دست‌بندی از نقره در دست او و پرده‌ای بر در اتاق، آویخته دیدند. این وضعیت را - با توجه به فقر جامعه آن روز - برای دختر گرامی‌شان نپسندیدند و با یک نگاه، بی‌میلی خود را نشان دادند. زهرا (س) مرضیه (س) بلافاصله پرده و دست‌بند را توسط قاصدی خدمت رسول اکرم (ص) ارسال داشتند تا به مصرف نیازمندان برسانند. چهره رسول الله (ص) از این که دخترشان زهد خود را آشکار کرد و دیگران را بر خود مقدم نمود، شکفته

شد و سه مرتبه فرمودند: «فداها أبوها»^۱ پدرش فدای او باد!»

برای رسیدن به «ما عندالله»، چاره‌ای جز ترک متاع فریبنده دنیا نیست و این ترک، «زهد» نام دارد که به تعبیر مرحوم محقق طوسی، از مراحل مانع‌زدایی از راه سیر و سلوک است. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «الزهد کله بین کلمتین من القرآن قال الله سبحانه لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم و من لم یأس علی الماضي و لم یفرح بالآتی فقد أخذ الزهد بطرفیه»^۲ زهد بین دو کلام از قرآن است تا به آن چه از دست شما رفته حسرت نخورید و به آن چه به دست شما رسیده شادمان نگردید». بنابراین کسی که نسبت به گذشته حسرت نخورد و به مقام و ثروت و منافع مادی آینده شادمان نگردد، زهد را از هر دو سو به دست آورده است.

آثار زهد

یکی از ثمرات زهد، «ایشار» است. ایشار یعنی دیگران را بر خود مقدم داشتن و خود را برای آسایش دیگران به رنج افکندن: «و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة»^۳. زاهد از آن جهت ساده و بی‌تکلف و در کمال قناعت زندگی می‌کند و بر خود تنگ می‌گیرد که دیگران را به آسایش برساند. ایشار، از پرشکوه‌ترین مظاهر جلال انسانیت است و فقط انسان‌های بسیار بزرگ، به این قلّه شامخ صعود می‌کنند. ما در تاریخ زندگی حضرت رسول(ص) و حضرت صدیقه کبری(س) و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) مواردی از ایشار را مشاهده می‌کنیم که دیدگان روح ما در برابر شکوه معنوی و تحسین‌برانگیز آن خیره می‌شود.

قرآن کریم داستان ایشار حضرت امیرمؤمنان(ع) و خاندان گرامی ایشان را در آیات پرشکوه خود در سوره «هل أتی» منعکس کرده است. علی و زهرا و فرزندان(علیهم‌السلام) برای رضا خدا سه روز پشت سر هم غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند و خود با آب افطار کردند و این داستان در ملاً اعلی بازگو شد و آیات قرآن درباره ایشان نازل گشت.^۴ شعار «الجار ثم الدار» راه و رسم جاری این خاندان است و این صدیقه کبری(س) است که در شب زفاف، پیراهن نو را از تن خود در می‌آورد و به سائل می‌دهد و خود همان پیراهن کهنه را بر تن می‌کند.

زهد از دیدگاه احادیث

احادیث درباره زهد بسیار زیاد است که به چند نمونه اکتفا می‌شود:

۱. حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید: «إذا أَرَادَ اللهُ بَعْدَ خَيْرٍ زَهْدَهُ فِي الدُّنْيَا وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَبَصَّرَهُ عَيْبُهَا وَ مِنْ أَوْتِيهِمْ فَقَدْ أَوْتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...»^۵ هنگامی که خداوند اراده کند که برای بنده‌ای از بندگان خیر و صلاح پیش بیاورد، به او توفیق زهد عنایت می‌کند و او را در احکام دین، فقیه و بینا می‌گرداند و عیب‌های دنیا را به او می‌شناساند و کسی که دارای این اوصاف باشد، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است.»

۲. امام صادق(ع) در توضیح خیر دنیا برای زاهد در روایت دیگری به دو مقوله اشاره می‌کنند: یکی، وجود حکمت و تولید معنا در زبان و ذهن و قلب زاهد و دیگری، بصیرت یافتن زاهد در شناخت دردها و دواها: «من زهد في الدنيا أثبت الله الحكمة في قلبه و

أَنطِقَ بِهَا لِسَانَهُ وَبَصْرَهُ عِيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا وَأُخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ؛^٦ کسی که در زندگی دنیا زهد را پیشه خود سازد، خداوند حکمت و علم را در دل او ثابت و برقرار می‌کند و زبانش را به گفتن کلام حکمت‌آمیز گویا می‌گرداند و او را به شناخت عیب‌ها، دردها و دواهای دنیا بصیر می‌نماید و او را با سلامت و پاکی از دنیا خارج و به بهشت منتقل می‌کند.»

۳. و باز فرمودند: «حرام علی قلوبکم أن تعرف حلاوة الإيمان حتی تزهد فی الدنيا؛^٧ تا زهد در دنیا در دل‌های شما قرار نگیرد، حرام است بر آن دل‌ها که حلاوت ایمان را بشناسند و بچشند». به عبارت دیگر حلاوت ایمان پیوسته همراه زهد و بی‌رغبتی به دنیاست و هرگز در دل‌های راغب به دنیا راه پیدا نمی‌کند.

باید تأکید کرد که توصیه به پارسایی و قناعت، تأیید برداشت‌های باطل از زهد مانند زبونی، عقب‌ماندگی، تنبلی، عدم ابتکار و اختراع و تلاش برای پیشرفت نیست، بلکه توصیه به زاهد شدن و بی‌پیرایه زیستن، برای رهایی از زنجیرهای ذلت‌آفرین نازپروری است. اسلام، بیش‌ترین سفارشات را در این باب دارد، از جمله:

«لا تکسل عن معیشتک فتکون کلاً علی غیرک؛^٨ در اداره زندگی کسل مباش که سربار دیگران می‌شوی.»

۴. امام باقر(ع) از قول حضرت موسی(ع) نقل می‌کنند که آن حضرت از خداوند پرسیدند: «خداوند، مبعوض‌ترین بندگانت کیانند؟ فرمود: «جیفه باللیل، بطل بالتهار؛^٩ مردار شب و بی‌مصرف روز.»

بنابراین درست است که جامعه اسلامی و مسلمانان از جهت مصرف و هزینه‌های زندگی باید مقتصد، ساده‌زیست و قانع باشند، اما لازم است دارای همت و آرمانی بلند بوده و در مسیر تقویت بنیه‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اخلاقی بسیار کوشا و تعالی خواه باشند.

بر این اساس، کسانی می‌توانند پیشرفت کنند و به مقاصد بلند دست یابند که در دام کسالت، کام‌جویی‌ها، خوردنی‌های متنوع و... اسیر نباشند. مقصود از ساده‌زیستی، ولنگاری و ژولیدگی نیست. زاهد آن نیست که از هرگونه نظم و تمیزی دوری کند و استفاده از آن را منافی با روح زاهدانه خویش ببیند و یا در وضع پوشاک و خوراک خود به گونه‌ای باشد که حس ترخم دیگران را برانگیزد و در چشم دیگران حقیر و پست جلوه کند.

عقل معاش

هر انسانی با همین حساب مادی می‌داند که چگونه باید درآمد و خرجش را با هم تطبیق دهد تا در امرار معاش خود دچار مشکل نگردد. امام صادق(ع) فرمود: «الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشه؛^{١٠} تمام کمالات معنوی در سه چیز خلاصه شده است: یکی، فهم عمیق از دین؛^{١١} دوم، صبر بر مصایب و مشکلات؛ سوم، اندازه‌گیری در زندگی؛» یعنی باید محاسبه کند میان درآمد و مصرف و بین آن‌ها تعادل برقرار نماید و در این بین، از آن‌چه که موجب فساد در به دست آوردن درآمد یا خرج کردن ثروت است پرهیز نماید. انسان باید از طمع‌ورزی، ثروت‌اندوزی، تجمل‌گرایی و اسراف دوری کند. امام رضا(ع)

می فرمایند: «... و إجتنب الكبائر و هی قتل النفس التي حرم الله تعالى و أكل الربا بعد البينه... و البخس فی المکیال و المیزان... و الاسراف و التبذیر... و الخیانه...»^{۱۲} [از شرایط ایمان است] دوری از گناهان کبیره، که از جمله آن هاست کشتن انسان - که خداوند منع کرده است - و رباخواری پس از دلیل [که این مورد ربا است] و کم کردن و کاستن پیمان و ترازو... و اسراف و ریخت و پاش... و خیانت...»

در این کلام، امام از گناهان کبیره سخن می گویند. آن حضرت کسب درآمد با شیوه های نامشروع و گردآوری ثروت های حرام را نیز از کبائر شمرده و برخی از این شیوه ها را همسان بدترین گناهان چون آدم کشی یاد کرده اند. کم فروشی، اسراف و ریخت و پاش، خیانت، رباخواری، سود پول و... در کنار قتل نفس قرار گرفته است. چه فرق می کند که انسان یک باره به حیات انسانی پایان دهد، یا با مکیدن خون او و بریدن رگ حیات اقتصادی، وی را به کم خونی و مرگ تدریجی دچار سازد!

انفاق نیز که از برترین اعمال صالح شمرده شده، باید در محدوده ضوابط و محدودیت های شرعی صورت گیرد. در قرآن به صراحت اعلام شده است: «... أنفقوا من طیبات ما کسبتم»^{۱۳} از مال های پاکی که به دست آورده اید، انفاق کنید.»

آن چه که باعث می شود انسان در به دست آوردن مال و صرف آن، اعتدال را رعایت کند، عقل معاش است که این عبارت از روایت امام صادق (ع) برداشت شده است. آن حضرت در بیان اصلاح امور و دستیابی به ایمان، سه چیز را شرط می دانند و

می فرمایند: «لا یستکمل عبد حقیقة الإیمان حتی یکون فیہ خصال ثلاث [أو لا یصلح المرء إلا علی ثلاث خصال أو الکمال، کل الکمال] التفقه فی الدین و حسن التقدير فی المعیسة و الصبر علی الرزایا»^{۱۴} تا سه خصلت در انسان نباشد، حقیقت ایمان او کمال نیابد: ژرف شناختن دین، اندازه داشتن در زندگی (برخورداری از عقل معاش) و پایداری در مصیبت ها.»

این روایت از امیرالمؤمنین، امام باقر و امام رضا (علیهم السلام) نیز نقل شده است.

اصل «تقدیر در معیشت»، به رعایت حدود لازم و دوری از اسراف می انجامد. این اصل با توجه به زبانی که در این روایت و دیگر احادیث به کار رفته و به صورتی کلی و قانون مند بازگو شده است، همه مراحل تکلیفی را در همه ابعاد زندگی در برمی گیرد. هم چنین دوری از اسراف، تبذیر، تضييع و فاسد کردن مواد و کالاها را نیز شامل می گردد و مراحل نهایی و تکامل یافته مصرف را که حذف زوائد و امور غیر ضروری است، تضمین می کند. این اصل در قلمرو برنامه ریزی های اقتصادی نیز جریان دارد. برنامه ریزی اقتصادی و نظام تولید و توزیع باید با تقدیر و محاسبه انجام گیرد. تولید هر کالا باید به اندازه گیری و محاسبه باشد تا مقدار توان و کارایی که از آن کالا منظور بوده با ترکیب موادی که در آن به کار رفته است، هم آهنگ باشد.

قناعت، نشانه عقل

افراد یک خانواده باید موازنه ای معقول و منطقی بین «دخل» و «خرج» ایجاد کنند و با پذیرش واقعیت ها، مانع مسئله ساز شدن توقعات فردی شوند. اگر بر اساس توسعه طلبی های برخی همسران یا

مهیار نکردن «مخارج غیر ضروری»، این موازنه بر هم بخورد، یا اصلاً در امر «درآمد» و «مخارج»، حساب‌گری و انطباق و هم‌سویی در کار نباشد، ناهنجاری‌های رفتاری در خانواده پیش می‌آید.

سعدی می‌گوید: «بر احوال آن کس بیاید گریست که دخلش بود نوزده، خرج بیست». بعضی‌ها با حقوق کارمندی، پُز مهندسی می‌دهند و با ثروت‌مندتر از خود به هم‌چشمی و رقابت نامعقول می‌پردازند که خود نوعی عدم موازنه در دخل و خرج است و برای جلب توجه دیگران یا خودنمایی، بیش از توان مالی خرج می‌کنند و نتیجه‌اش پیدایش بحران در معیشت خانواده است.

زنان خانه‌دار، مدیریت امور خانه را اگر بر محور «قناعت» و پرهیز از خرج‌های غیر لازم و تشریفاتی و تجملاتی تنظیم نکنند و از شوهران خود، توقعات غیرمنصفانه و بی‌جا و خارج از توان مالی و میزان درآمد او داشته باشند، یا هزینه‌های غیرضروری را بر آنان تحمیل کنند، باید منتظر بروز «تنش‌ها و بحران‌ها» باشند، چون یا همسرشان به خواسته‌های افزون‌طلبانه آنان وقعی نمی‌گذارد که نتیجه‌اش بروز حرف‌ها و مجادلات است، یا از هر راهی (حلال و حرام و رشوه و سوء استفاده و ...) سعی در تأمین خواسته‌های زن می‌کند، که نتیجه‌اش آلوده ساختن زندگی به حرام است.^{۱۵}

به کارگیری عقل و تدبیر در تنظیم اقتصادی خانواده، ایجاب می‌کند که از «چشم و هم‌چشمی» و رقابت‌های کمرشکن یا حسادت‌های خانمان‌برانداز، پرهیز کنند و اجازه ندهند «هوس» به جای «عقل»

بنشیند و صفای زندگی را از میان بردارد. «قناعت»، یکی از شیوه‌های خردمندان در مصرف و خرج است. به تعبیر حضرت علی(ع): «القناعت مال لا ینفد»^{۱۶} قناعت، ثروتی پایان‌ناپذیر است.

امام صادق(ع) در توصیه به هشام، که یکی از اصحاب نزدیک ایشان است، عقل کامل را با قناعت تعریف می‌کند و می‌فرماید: «یا هشام من أراد الغنی بلا مال و راحة القلب من الحسد و السلامة فی الدین فلیتضرع إلی الله عزّ و جلّ فی مسألته بأن یکمل عقله فمن عقل قنع بما یکفیه و من قنع بما یکفیه استغنی و من لم یقنع بما یکفیه لم یدرک الغنی أبداً»^{۱۷} ای هشام، کسی که ثروت بدون مال و دل‌آسودگی از حسد و سلامتی دین خواهد، باید با تضرع و زاری از خدا بخواد که عقلش را کامل گرداند، زیرا عاقل به قدر احتیاج قناعت کند و آن که به قدر احتیاج قناعت نماید، بی‌نیاز گردد و کسی که به قدر احتیاج قناعت نکند، هرگز بی‌نیازی نیابد.

از این روایت معلوم می‌شود که قناعت، همان اکتفا به نیازهای واقعی زندگی است و در اکتفا به تأمین این نیازها، عقل کامل فرصت تعالی و پرداختن به هدف اصلی زندگی را پیدا می‌کند. امام صادق(ع) در روایت دیگری اکتفا نکردن به ملزومات زندگی را سبب گرفتاری در آخرت می‌داند: «کل بناء لیس بکفاف فهو وبال علی صاحبه یوم القیامة و رواه بعضهم بفساد»^{۱۸} هر بنایی به اندازه کفاف نباشد، روز قیامت وبال صاحبش باشد - و به نقلی دیگر - موجب فساد صاحبش شود.

باید توجه داشت که عقل کامل هرگز خود را در پیچ و خم معادلات زیاد کردن ثروت قرار نمی‌دهد،

عدالت و سود در معاملات

در باب تجارت، اسلام به عدالت توجه کرده است و سودهای کلان را مذمت می‌کند. امام رضا(ع) می‌فرماید: «ربح المؤمن علی أخیه رباً، إلا أن یشتری منه شیئاً بأكثر من مئه درهم، فیریح فیہ قوت یومه، أو یشتری متاعاً للتجارة فیریح علیه ربحاً خفیفاً؛^{۲۲} سود گرفتن مؤمن از برادر دینی خویش رباست، مگر این که چیزی را به بیش از صد درهم بخرد. در این صورت، به اندازه خوراک روزانه‌اش سود دریافت می‌کند، یا کالایی را برای فروش بخرد، در این صورت سود اندکی از او می‌گیرد.»

در پرتو این کلام حضرت، به یک محدودیت اصولی می‌رسیم و آن، محدودیت در چارچوب سودهای تجاری و داد و ستدهای معاملی است. داد و ستد و تجارت، در اصل و ماهیت، مباح و مجاز است و کسانی که کالایی را با کوشش و صرف وقت در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهند، به مصرف‌کننده کمک کرده‌اند و شایستگی مزد و پاداش و به اصطلاح مقداری سود را دارند، اما این سودها باید در چارچوب قانون عدل و انصاف، محدود گردد. شرایط و نوسان‌های اجتماعی و اقتصادی، نباید موجب گردد که در روابط تجاری و خرید و فروش، پای سودهای کلان به میان آید و نظام فاسد واسطه‌گری بتواند در تنگناها و فشارهای اقتصادی، سودهای کلان به جیب بزند و دست توده‌های مصرف‌کننده را به نام «جواز سود در معاملات» تهی سازد.

امام رضا(ع) می‌فرماید: به اندازه گذراندن زندگی (قوت روزانه) سود ببرد، یا در مورد مال تجاری، سود

زیرا هدف زندگی را درک کرده است؛ چنان که امام صادق(ع) در روایتی می‌فرماید: «إن الله عز و جل أوسع فی أرزاق الحمقى لتعتبر العقلاء و یعلموا أن الدنیا لا تنال بالعقل و لا بالحیلة؛^{۱۹} خدای عزوجل رزق انسان‌های ساده را وسعت داده تا عبرتی برای عقلا باشد و بدانند که دنیا با عقلانیت صرف و حيله و ترفند به دست نمی‌آید.»

زن و مرد باید برای رسیدن به «سطوح متعادل» در معیشت، همکاری داشته باشند و بکوشند تا «مسائل مالی» در زندگی مشترک، «عواطف انسانی» و «مهر و صفا» را تحت‌الشعاع قرار ندهند.

البته حرکت در مرز تعادل، دشوار است. مواظبت بر این که آدمی نه گرفتار بخل و امساک شود و نه در دامن اسراف و ولخرجی بیفتد، هوشیاری و منطق می‌طلبد. برخی با عنوان این که باید قناعت کرد و حساب‌گر بود، بر خانواده خود سخت می‌گیرند و گاهی نیز حق آن‌ها را تضییع می‌کنند. برخی هم با بهانه این که باید دست و دل باز و بخشنده و کریم بود، مال خود را هدر می‌دهند و ولخرجی می‌کنند. بخشندگی و سخاوت، تا آن جا ارزشمند است که به اسراف و تبذیر کشیده نشود و قناعت و برنامه‌ریزی تا حدی پسندیده است که سر از بخل و آزمندی در نیآورد و شناخت مرز این دو، هم دشوار است و هم ضروری.^{۲۰} حضرت امیرالمؤمنین(ع) در سخن حکیمانه‌ای به رعایت مرزی معتدل میان این افراط و آن تفریط دستور می‌دهند و می‌فرماید: «کن سمحاً و لا تکن مبذراً، و کن مقدرأ و لا تکن مقترأ؛^{۲۱} بخشنده باش، ولی نه ولخرج و اسراف‌کار، و اندازه‌گیر باش، ولی نه سخت‌گیر و بخیل.»

اندک (ربح خفیف) داشته باشد و در معاملات تجاری، رشد و افزایش ناموزون در سود وجود نداشته باشد. باید توجه داشت که در اسلام، هدف اصلی، توزیع سالم کالا در جامعه و رفع نیاز مردم و رعایت مصالح عمومی است.

آیه‌الله دکتر شهید بهشتی در این باره می‌گوید: «از تتبع قسمت مهم روایاتی که از عصر پیامبر اکرم (ص) و ائمه (علیهم‌السلام) در زمینه آداب تجارت داریم، به خوبی درمی‌یابیم که یک کاسب دارای اخلاق اسلامی و ملتزم به مبانی اسلام، سودی که در کسب برای خود در نظر می‌گیرد، معادل حق الزحمه‌ای است که عادلانه باشد، ولی کاسبی که علاوه بر این بخواهد اصل سرمایه او که از نظر اقتصادی عقیم و نازاست، برای او معجزه کند و فرزند داشته باشد، فرد غیر منصفی است و در این زمینه در معیارهای اسلامی تردیدی نیست... ما از آیه «أَحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا»^{۲۳} تا حد سود معقول، حق الزحمه فروشنده را می‌فهمیم و بیش از این از نظر ماهیت اقتصادی، نوعی ظلم است و هیچ‌گونه تفاوتی با ربا ندارد.»^{۲۴}

آیه‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر در کتاب گران قدر «اقتصادنا» با اشاره به معیار معاملات برای برطرف کردن نیازها، از وضعیت موجود بازار سرمایه‌داری انتقاد کرده و می‌نویسد: «بدین‌سان، فروش برای خرید (برطرف کردن نیازها)، به فروش برای انباشتن پول تحول یافت.»^{۲۵}

کلام امام رضا(ع) از قرآن گرفته شده است. قرآن، درباره تجویز سودهای تجاری چنین

می‌فرماید: «... لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم...»^{۲۶} اموالتان را در بین خود به ناحق مخورید، مگر آن که داد و ستدی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشند.»

در این آیه، رضایت خریدار و فروشنده شرط شده است و در صورت گران‌فروشی و سودهای زیاد، رضایت خریدار حتماً وجود ندارد. همچنین امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «... و لیکن البیع بیعاً سمحاً، بموازين عدل، و اسعار لا تجحف بالفریقین، من البائع و المبتاع...»^{۲۷} معامله باید سهل و آسان و با میزان عدالت انجام شود و با نرخ‌هایی صورت گیرد که به هیچ‌یک از خریدار و فروشنده اجحاف نشود.» این حدیث، معیار اصلی در حدیث امام رضا(ع) را بازگو می‌کند که در مبادله «ربح خفیف»، نباید هیچ اجحافی به هیچ‌یک از خریدار و فروشنده شود. «بیع سمح» و آسان و از روی موازین عدالت، و نرخ مناسب که در کلام امام علی(ع) آمده است، معنای «ربح خفیف» در کلام امام رضا(ع) را روشن می‌سازد.

در خاتمه اگر بخواهیم یک تعریفی از عدل ارائه بدهیم باید بگوییم: «العدل اعطاء کل ذیحق حقه؛ عدل عبارت است از این که هر صاحب حقی به حق خویش برسد»؛ از کارگر ساده گرفته تا دکتر جراح و استاد دانشگاه و سایر افراد جامعه هر یک باید به حق معقول و عادلانه خود برسند.

● پی‌نوشت‌ها:

۱. امامی شیخ صدوق، ص ۲۳۴.

شرایط و نوسان‌های اجتماعی و اقتصادی، نباید موجب گردد که در روابط تجاری و خرید و فروش، پای سودهای کلان به میان آید و نظام فاسد واسطه‌گری بتواند در تنگناها و فشارهای اقتصادی، سودهای کلان به جیب بزند و دست توده‌های مصرف کننده را به نام «جواز سود در معاملات» تهی سازد.

بخشنده‌گی و سخاوت، تا آن جا ارزش مند است که به اسراف و تبذیر کشیده نشود و قناعت و برنامه‌ریزی تا حدی پسندیده است که سر از بخل و آزمندی در نیاورد و شناخت مرز این دو، هم دشوار است و هم ضروری.

به کارگیری عقل و تدبیر در تنظیم اقتصادی خانواده، ایجاب می‌کند که از «چشم و هم‌چشمی» و رقابت‌های کمرشکن یا حسادت‌های خانمان‌برانداز، پرهیز کنند و اجازه ندهند «هوس» به جای «عقل» بنشیند و صفای زندگی را از میان بردارد.

۲. نهج البلاغه، ص ۵۵۳.

۳. حشر (۵۹) آیه ۹.

۴. انسان (۷۶) آیه ۸ و ۹.

۵. کافی، ج ۲، ص ۱۳۰.

۶. همان، ص ۱۲۸.

۷. همان.

۸. همان، ص ۸۶.

۹. الحیة، ج ۵، ص ۴۹۲.

۱۰. کافی، ج ۱، ص ۳۲.

۱۱. در حدیث آمده: وای بر آن کسی که در طی یک هفته ساعتی برای آموزش مسائل دینی نداشته باشد. اسلام یک آئین جامع است و برای همه مسائل دستور دارد که مسلمانان باید بیاموزند تا گرفتار گناه نشوند.

۱۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۱.

۱۳. بقره (۲) آیه ۲۶۷.

۱۴. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۳؛ الحیة، ج ۳، ص ۲۷۷.

۱۵. مجله پیام زن، «موازنه دخل و خرج»، شماره ۱۰۰.

۱۶. نهج البلاغه، حکمت ۵۴.

۱۷. کافی، ج ۱، ص ۱۸.

۱۸. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۰.

۱۹. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۳.

۲۰. مجله پیام زن، «موازنه دخل و خرج»، شماره ۱۰۰.

۲۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۲.

۲۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۶۴؛ الحیة، ج ۴، ص ۱۴۲.

بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۰.

۲۳. بقره (۲) آیه ۲۷۵.

۲۴. بهشتی، ۱۳۶۲، ص ۶۰ - ۶۲.

۲۵. اقتصادنا، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲۶. نساء (۴) آیه ۲۹.

۲۷. نهج البلاغه، ص ۴۲۷، نامه ۵۳.

ایشار، از پرشکوه‌ترین مظاهر جلال انسانیت است و فقط انسان‌های بسیار بزرگ، به این قلّه شامخ صعود می‌کنند. ما در تاریخ زندگی حضرت رسول(ص) و حضرت صدیقه کبری(س) و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) مواردی از ایشار را مشاهده می‌کنیم که دیدگان روح ما در برابر شکوه معنوی و تحسین‌برانگیز آن خیره می‌شود.

بعضی‌ها با حقوق کارمندی، پُز مهندسی می‌دهند و با ثروت‌مندتر از خود به هم‌چشمی و رقابت نامعقول می‌پردازند که خود نوعی عدم موازنه در دخل و خرج است و برای جلب توجه دیگران یا خودنمایی، بیش از توان مالی خرج می‌کنند و نتیجه‌اش پیدایش بحران در معیشت خانواده است.

جامعه اسلامی و مسلمانان از جهت مصرف و هزینه‌های زندگی باید مقتصد، ساده‌زیست و قانع باشند، اما لازم است دارای همت و آرمانی بلند بوده و در مسیر تقویت بنیه‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اخلاقی بسیار کوشا و تعالی خواه باشند.
